

خانم دکتر روانشناس در ازدواج دوم هم شکست خورد

پرونده طلاق یک مقام شهری تهران

ناهد پروری / خانم دکتر جوانی روانشناس بالینی است، پس از شکست در ازدواج اول زمانی که با یک شهردار ازدواج کرد، رؤیای زندگی بهتری داشت، اما نمی‌دانست با گذشت ۴ سال زندگی مشترک دوباره پایش به دادگاه خانواده باز می‌شود. این پزشک سرشناس وقتی در مقابل قاضی کنجی رئیس شعبه ۲۸۵ دادگاه خانواده شماره ۲ ولنجک قرار گرفت، آهی کشید و گفت: آقای قاضی حدود ۲۰ سال پیش در یک مهمانی خانوادگی با همسر اولم که دندانپزشک بود، آشنا شدم و تصمیم گرفتیم بچه‌دار شویم بنابراین خدا برای من کشید که وی به اتفاق خانواده‌اش به خواستگاری آمدند و پس از برگزاری مراسم عقد و عروسی زندگی مان را شروع کردیم. وی افزود: اوایل زندگی خوب و آرامی داشتیم، طوری که اقوام و آشنایان نسبت به زندگی ما حسادت می‌ورزیدند. خلاصه تصمیم گرفتیم بچه‌دار شویم بنابراین خدا فرزند پسری به ما داد. اما پس از به دنیا آمدن فرزندمان متوجه شدیم که او بیماری اوتیسم دارد. همسر ما با وجود اینکه خودش یک پزشک بود و می‌توانست با این موضوع کنار بیاید اما در نظر روحی و روانی به هم ریخت. این درحالی بود که من خودم نیز بسیار ناراحت بودم اما تقدیر الهی این بود و سعی

کردم به خود و همسرم دل‌داری بدهم. بنابراین از آنجایی که آن زمان دانشجوی رشته نقاشی بودم و در دانشگاه شهید بهشتی ادامه تحصیل می‌دادم، پس از پایان تحصیلاتم تصمیم گرفتم در رشته روانشناسی بالینی ادامه تحصیل بدهم. سرانجام تلاش و پشتکارم به نتیجه رسید و توانستم در رشته دکترای روانشناسی بالینی فارغ التحصیل شوم. بدین ترتیب، مؤسسه‌ای برای کمک به کودکانی که معلول ذهنی هستند، در مرکز تهران تأسیس کردم تا در رشته نقاشی فعالیت کنند و هنرشان را بیاموزند و نمایش بگذارند. بدین ترتیب پسرمان وارد ۲ سالگی شد اما همسر پیشگم نتوانست با بیماری فرزندمان کنار بیاید و مدعی بود که از نظر روحی و روانی کاملاً به هم ریخته است و نمی‌تواند با ما ادامه زندگی بدهد. بنابراین برای جدایی به دادگاه خانواده رفت و با ارائه دادخواستی خواهان طلاق شد. این پزشک ادامه داد: وقتی دیدم که همسرم تمایلی به زندگی مشترک ندارد، علی‌رغم میل باطنی‌ام پذیرفتم و از او جدا شدم و با فرزندم زندگی جدیدی را آغاز کردم. مدتی بعد خواستگاران زیادی داشتم اما به خاطر شرایط روحی خودم نپذیرفتم و



ترجیح دادم که بار مسئولیت زندگی خود و فرزندم را به تنهایی بر دوش بکشم. تا اینکه با گذشت ۱۷ سال تنهایی همسر دومم که شهردار یکی از مناطق تهران است، سر راه من سبز شد و از آنجایی که وی نیز در زندگی اول شکست خورده بود و صاحب ۲ فرزند معلول بود، به من پیشنهاد ازدواج داد. وقتی دیدم که او هم شرایط اجتماعی خوبی برخوردار است و شرایط دیدم که او مرد زندگی است و از موقعیت اجتماعی خوبی برخوردار است و شرایط مشابهی داریم، با کوله‌باری از آرزوهای زنگارنگ به او جواب مثبت دادم و پا به خانه بخت گذاشتم. این پزشک روانشناس با صدای بغض آلود در پایان قاضی کنجی رئیس شعبه ۲۸۵ افزود: ما گذشت ۶ ماه رفت و آمد وقتی دیدم که او مرد زندگی است و از موقعیت اجتماعی خوبی برخوردار است و شرایط مشابهی داریم، با کوله‌باری از آرزوهای زنگارنگ به او جواب مثبت دادم و پا به خانه بخت گذاشتم. این پزشک روانشناس با صدای بغض آلود در پایان قاضی کنجی رئیس شعبه ۲۸۵ افزود: ما گذشت ۲ ماه زندگی مشترک، آقای شهردار خانه را ترک کرد. وقتی به خانه نیامد نگرانش شدم و به او زنگ زدم

که ناگهان در کمال ناباوری گفت، تمایلی به ادامه زندگی با من ندارم. در حالی که از شنیدن این کلمات شوکه شده بودم، زمانی که از او علت را جویا شدم، گفت که نزد همسر اولش برگشته و می‌خواهد با وی زندگی کند، چند روز بعد هم متوجه شدم که او دادخواست طلاق داده است. پس از اظهارات این خانم دکتر، قاضی از شهردار علت دادخواست طلاقش را پرسید. شهردار گفت: آقای قاضی من عاشق همسر اول و فرزندانش هستم اما بنا به دلایلی همسرم از من جدا شد. در این مدت خیلی تلاش کردم که همسرم را به زندگی برگردانم و موفق شدم با او آشتی کنم حالا نیز می‌خواهم از خانم دکتر جدا شوم و با همسر اولم زندگی کنم. همچنین حاضرم حق و حقوق خانم دکتر را پرداخت کنم. در پایان قاضی کنجی رئیس شعبه ۲۸۵ دادگاه خانواده حکمی مبنی بر طلاق صادر نکرد و این زوج را به مرکز مشاوره راهنمایی کرد.

نظر کارشناس درباره ازدواج‌های دوم

دکتر مجید ابهری آسیب‌شناس اجتماعی و رفتارشناس درباره جدایی این خانم دکتر به خبرنگار ما گفت: ازدواج مجدد مخصوصاً با حضور فرزندان از ازدواج قبلی انتخاب بسیار مشکل و حساسی است. کسی که یک بار تجربه شکست در کارنامه خود دارد، در ازدواج دوم باید بسیار دقت کند تا ناکامی‌های قبلی اتفاق نیفتد. متأسفانه با عنایت به تحصیلات و تخصص این پزشک روانشناس انتظار جامعه این است که وی راهنما و الگوی دیگران باشد نه اینکه خود در انتخاب دچار اشتباه شود، داشتن فرزند معلول نیاز به حوصله، صبر و مدیریت قابل توجهی دارد. با توجه به اینکه زوج نیز ۲ فرزند معلول از ازدواج اول خود دارد، در مرحله اول انسان تصور می‌کند احساس همدردی و درد مشترک می‌تواند ضامن دوام زندگی دوم باشد.

این آسیب‌شناس با اشاره به اینکه، صبر و حوصله در هر انسانی با هر تحصیلات و شرایط اجتماعی اندازه محدود دارد، افزود: بنابراین در انتخاب‌های اینگونه نیاز به بهره‌گیری از نظر مشاوران متخصص و با تجربه است و اما علت اینکه خانم دکتر تمایلی به جدایی ندارد، احساس شکست در ازدواج دوم را برای خود ناکامی می‌داند.

ابهری ادامه داد: این خانم دکتر اصلاً نباید اصراری به ادامه زندگی داشته باشد چرا که نگهداری از سه فرزند معلول کار بسیار دشواری است و باعث خستگی‌های روحی و روانی می‌شود. مخصوصاً اگر هر دو نفر در بیرون از خانه نیز اشتغال کاری داشته باشند. این آسیب‌شناس اجتماعی و رفتارشناس اضافه کرد: به نظر می‌رسد ازدواج خانم دکتر با فردی که دارای فرزند معلول است سرانجام موفق و شادی نخواهد داشت و از نظر عاطفی ضربه‌هایی به فرزندان خانم و آقا وارد می‌شود که غیرقابل جبران و بسیار دشوار است چرا که فرزندان معلول از نظر نیاز عاطفی و وابستگی بسیار حساس هستند که در انتخاب همسر باید مورد توجه قرار گیرد. دکتر ابهری در پایان گفت: اگر ازدواج از روی دلسوزی و ترحم باشد قطعاً محکوم به شکست خواهد بود. پس انتخاب منطقی براساس مشورت و کسب نظر می‌تواند کمک مؤثری به خانم و فرزندش کند. به نظر من این پزشک اصلاً نباید اصراری به ادامه زندگی داشته باشد، با توجه به اینکه همسرش تمایل به بازگشت به زندگی اول دارد و همین امر موجب تلخ‌تر شدن زندگی آنها خواهد شد و سرانجامی ندارد.

دادگاه
مرگ زن تهرانی
بالای فنس
ساختمان نیمه کاره

زن جوان به طرز هولناکی قسمت فنس کشی شده یک ساختمان نیمه کاره به کام مرگ فرو رفت.

به گزارش «ایران»، غروب پنجشنبه جسد زن جوانی که به طرز هولناکی بالای قسمت فنس کشی ساختمان نیمه کاره واقع در محله وردآورد به کام مرگ فرو رفته بود کشف شد و رسیدگی به موضوع در دستور کار محمدرضا صاحب جمعی بازپرس کشیک قتل پایتخت قرار گرفت.

بررسی‌های ابتدایی نشان می‌داد که کیف دوشی خانم ۲۵ ساله بالای فنس گیر کرده و تابیدن بند کیف دور گردن این خانم سبب خفه‌شدن او شده است.

فرضیه اولیه مأموران جنایی حکایت از آن دارد که این خانم قصد پریدن از فنس به دلیل نامعلومی برای رفتن به ساختمان نیمه‌کاره را داشته که حادثه گریبانگیر او شده و سبب مرگش شده است. به این ترتیب رسیدگی به موضوع برای روشن شدن علت دقیق ماجرا در دستور کار تیم جنایی قرار دارد.

قتل خونین دایی با
ضربات چاقو


مرد جوان که در جریان اختلاف ملکی با دایی‌اش او را با چاقو به قتل رسانده بود، با تلاش کارآگاهان پلیس شهریار دستگیر شد و به جنایت خود اعتراف کرد.

به گزارش خبرنگار «ایران»، سرهنگ فضل‌الله سواری‌پور رئیس پلیس آگاهی غرب استان تهران درباره این پرونده گفت: رسیدگی به این جنایت تکان دهنده از شامگاه ۱۸ فروردین ساله‌ای که به خاطر ضربات چاقو به بیمارستان منتقل شده بود در شهریار شروع شد.

خلی زود بازپرس کشیک قتل راهی بیمارستان شد و در نخستین گام دستور داد جنازه مقتول به پزشکی قانونی منتقل شود.

در کام بعدی کارآگاهان جنایی برای کشف این پرونده مرموز تیم ویژه‌ای را تشکیل دادند و تحقیقات اولیه مأموران پلیس نشان داد متهم به خانه مقتول رفته تا با باهم بر سر تقسیم ملکی صحبت کنند اما این موضوع به مشاجره لفظی و سرانجام درگیری خونین بین آن دو تبدیل شده است.

متهم ۴۸ ساله که پس از وارد کردن ضربه چاقو باعث زخمی شدن فرزند شده بود بلافاصله با به فرار گذاشت و با انتقال فرزند به بیمارستان و مرگ وی به دستور بازپرس پرونده خواهرزاده مقتول به‌نام ارسلان تحت تعقیب قرار گرفت.

کارآگاهان جنایی باردیابی و تحقیقات گسترده سرانجام مخفیگاه متهم را شناسایی و او را دستگیر کردند.

متهم در اظهاراتش مدعی شد به‌خاطر اختلافی که در معامله ملکی با هم داشتیم دست به یقه شدیم و من ناخواسته دایی‌ام را زخمی کردم و حالا بشدت پشیمانم، نمی‌دانستم با این ضربه باعث مرگ دایی‌ام می‌شوم. سرهنگ سواری‌پور در پایان به شهروندان توصیه کرد که اختلافات خود را پیش از آنکه منجر به درگیری فیزیکی ... بشود به نحو مسالمت‌آمیز حل و فصل و به حق خود قانع باشند تا از این‌گونه مشکلات جلوگیری شود.

در دادگاه کیفری تهران مطرح شد

حسادت هولناک در جنایت کودکانه

۳ پسر نوجوان که به خاطر حسادت دوستانشان را با ۵۲ ضربه چاقو از پای در آورده بودند بای می‌محاکمه ایستادند و به پرداخت دیه و زندان محکوم شدند. به گزارش «ایران»، رسیدگی به این پرونده از یک سال قبل به دنبال وقوع درگیری در یکی از خیابان‌های شمال تهران آغاز شد. بررسی‌ها نشان می‌داد درگیری میان ۴ پسر نوجوان در خیابان سه‌شهرودی به خون کشیده شده و آرتین ۱۸ ساله در خون غلتیده است.

آثار پریدگی‌های متعدد روی بدن پسر نوجوان نمایان بود که در راه انتقال به بیمارستان جان سپرد و مأموران پلیس برای ردیابی عامل یا عوامل جنایت به پرس و جواز شاهدان پرداختند.

در بررسی‌ها روشن شد آرتین در درگیری با ۳ دوستش به نام‌های دانیال، باربد و مسعود از پای درآمده است.

بدین ترتیب ۳ پسر نوجوان ردیابی و بازداشت شدند و به درگیری خونین با قربانی اعتراف کردند.

در حالی که پزشکی قانونی آثار ۵۲ پریدگی روی بدن قربانی را تأیید کرده بود برای ۳ پسر نوجوان کیفرخواست صادر و پرونده‌شان برای رسیدگی به شعبه چهارم دادگاه کیفری یک استان تهران که ویژه رسیدگی به جرایم اطفال است فرستاده شد.

در ابتدای جلسه اولیای دم درخواست قضای را مطرح کردند. مادر آرتین در حالی

که اشک می‌ریخت گفت: پسر نوجوانم بی‌رحمانه کشته شد و من برای عاملان جنایت تقاضای قصاص دارم. قاضی گفت: اگر امکان صدور قصاص وجود نداشت چه درخواستی دارید؟ مادر قربانی پاسخ داد: حاضرم دیه دریافت کنم.

سپس متهمان یک به یک از خود دفاع کردند. دانیال گفت: ما با آرتین دوست بودیم اما او رفتارهایی انجام می‌داد که همیشه به او حسادت می‌کردیم. ما دل خوشی از او نداشتیم. آخرین بار سر موضوع بیگانگی با هم دعوا کردیم و او به ما فحاشی کرد. به همین خاطر من و باربد و مسعود با چاقو به جانش افتادیم.

باربد و مسعود نیز حرف‌های همدستانشان را تأیید کردند و به مشارکت در کشتن آرتین به خاطر حسادت اعتراف کردند.

آنها که حالا ۲۰ سال دارند در دادگاه ابراز پشیمانی کردند و گفتند نمی‌دانند هر کدام چند ضربه به قربانی زده‌اند اما از قتل او پشیمان هستند.

در پایان جلسه قضات وارد شور شدند و با توجه به اینکه متهمان در هنگام وقوع جرم زیر ۱۸ سال بوده‌اند، هر یک از آنها را به پرداخت دیه محکوم کردند. متهمان همچنین به خاطر ضربات غیر منتهی به فوت به پرداخت دیه و هرکدام به ۲ سال زندان محکوم شدند.



فرار رؤیا از کابوسی تا اسارت در دخمه ابلیس

رؤیا بود. فرزند با من فرار ازدواج گذاشته بود؛ او برایم از لباس عروسی و خانه‌ای که می‌خواست اجاره کند، صحبت می‌کرد اما همه این وعده‌های توخالی برای فریب من بود. وقتی از خانه فرار کردم و بیگزار از داد و ببادهای پدر و مادرم خبری نبود اما بعد از اینکه وارد دخمه فرزندم شدم ترس همه وجودم را پر کرد. او و دوستانش گرفتار اعتیاد بودند؛ تازه آنجا فهمیدم که در چه باتلاقی گرفتار شده‌ام ولی دیگر دیر شده بود. پدرم بددهن بود، داد و ببداد می‌کرد اما معتاد نبود و چیزی به نام هردن نداشت. تازه در آن لحظه حس از دست دادن خانواده به سراغم آمد.

به مدت چند ماه زندگی اسفناکی را در آن دخمه تجربه کردم و در این مدت چند مرتبه به سرم زد که به مواد مخدر پناه ببرم اما نمی‌دانم چرا نشد، شاید همان لقمه‌های حلال پدرم که کارگر بود، گذاشت. با هر نچی بود از آن دخمه شیطانی فرار کردم و حالا پناه آورده‌ام به شما تا نتاجم بدهید.

نگاه کارشناس
زهاریات کارشناس ارشد روانشناسی

مهسا دختر ۱۶ ساله در یک خانواده پرجمعیت به دنیا آمده است. او فرزند آخر خانواده است و ۴ خواهر و ۳ برادر دارد در سن ۱۱ سالگی ترک تحصیل کرده است و اوضاع مالی خوبی ندارد. شرایط او در خانواده بد است و در محدودیت مطلق بوده. سبک زندگی خانوادگی آنها خشک، سرد و کنترل‌کننده است. مورد مهر و محبت و پذیرش غیرمشرط نبوده‌اند، مهسا فرصت ابراز وجود در زندگی خانوادگی نداشته و با توجه به کنترل‌های خانواده، در محیط خارج از خانه درگیر تضاد و تعارض است و به نوعی از سرزنش درونی رنج می‌برد. او در خصوص درست و نادرست بودن رفتارهایش تردید و نگرانی دارد و دچار فرسودگی ذهنی است که همین مسأله منجر به ضعف خودکنترلی در او شده است و درگیر رفتارهای تکانشی است. به دلیل مشکلات مالی فراوان و رفتارهای بد پدرش ترک تحصیل

انفجار دیگ بخار خشکشویی

در سه‌روردی تهران

انفجار دیگ بخار یک خشکشویی حادثه آفرید. به گزارش «ایران»، عصر روز پنجشنبه صدای انفجار مهیبی در خیابان سه‌شهرودی پیچید و شعله‌های آتش در یک خشکشویی زبانه کشید. جلال ملکی سخنگوی سازمان آتش‌نشانی در مورد جزئیات این حادثه گفت: «ساعت ۱۷:۰۲ پنجشنبه ۲۱ اردیبهشت یک مورد انفجار در مغازه خشکشویی واقع در خیابان سه‌شهرودی جنوبی به سازمان آتش‌نشانی اعلام شد که شیشه و پنجره مغازه مورد حادثه و همچنین مغازه همجوار آن به دلیل شدت انفجار شکسته بودند.

همچنین در زمان انفجار یک دستگاه سواری برلیانس، یک دستگاه سواری لیفان و ۲ دستگاه سواری ۴۰۵ مورد خسارت داخل شدند که در این حادثه ۴ نفر (آقای ۶۰ ساله داخل مغازه خشکشویی، خانم داخل خودروی برلیانس، یک آقا و یک خانم عابر پیاده) دچار صدمه و آسیب شدند.

ملکی افزود: ۳ نفر مصدوم حادثه برای مداوا به مراکز درمانی اعزام شدند و یک خانم نیز به صورت سرپایی در محل مورد مداوا قرار گرفت. کارشناسان آتش‌نشان حاضر در صحنه در بررسی‌های اولیه علت وقوع حادثه را نقص در عملکرد دیگ بخار اتوشویی عنوان کردند.

